**باسمه تعالی**

[نکته باقیمانده از بحث دیروز 2](#_Toc469682489)

[آخر وقت اختیاری نماز عصر 3](#_Toc469682490)

[قول أول 3](#_Toc469682491)

[قول دوم 3](#_Toc469682492)

[قول سوم 3](#_Toc469682493)

[قول چهارم 4](#_Toc469682494)

[وقت مختص و مشترک 5](#_Toc469682495)

[قول به وقت مختصّ 5](#_Toc469682496)

[انکار وقت مختصّ 5](#_Toc469682497)

[فروع بحث وقت مختصّ 6](#_Toc469682498)

[فرع اول 6](#_Toc469682499)

[مناقشه در فرع أول (مضمون صحیحه زراره) 6](#_Toc469682500)

[جواب از مناقشه 8](#_Toc469682501)

[جواب أول: جواب مبنایی 8](#_Toc469682502)

[اشکال صغروی به جواب 8](#_Toc469682503)

[اشکال کبروی به جواب 9](#_Toc469682504)

[جواب آقای سیستانی از مناقشه 9](#_Toc469682505)

[اشکال به جواب آقای سیستانی 9](#_Toc469682506)

[نتیجه مناقشه و جواب أول 10](#_Toc469682507)

[جواب دوم از مناقشه در فرع أول 10](#_Toc469682508)

**موضوع**: کتاب الصلاۀ/أوقات نماز های یومیه /آخر وقت اختیاری نماز عصر/وقت مختص و مشترک

**خلاصه مباحث گذشته:**

متن خلاصه ...

## نکته باقیمانده از بحث دیروز

ما بین روایت ابراهیم کرخی و بین صحیحه بزنطی و روایت محمد بن حکیم تعارض انداختیم گفتیم همه این روایات از امام کاظم علیه السلام است یا تنها صحیحه بزنطی از امام رضا علیه السلام است. و امام صادق اگر فرمود: من بین شیعه نسبت به اوقات نماز القاء خلاف کردم و اصالة الجد در کلمات امام صادق ساقط شد ولی روایات امام کاظم و امام رضا علیهما السلام که اصالة الجد در آن محکم است و بین اینها تعارض وجود دارد.

**و تعارض این بود که:**

روایت ابراهیم کرخی می‌گوید آخر وقت نماز ظهر این است که سایه به چهار هفتم شاخص برسد. ولی صحیحه بزنطی و معتبره محمد بن حکیم می‌گوید که آخر وقت نماز ظهر موقعی است که سایه مثل شاخص بشود و آخر نماز عصر هم موقعی است که سایه دوبرابر شاخص بشود.

**وجهی که قبلاً برای حلّ این تعارض گفتیم این بود که**:

روایت صحیحه بزنطی و معتبره محمد بن حکیم موافق عامه است و حمل بر تقیه می‌شود و موجب می‌شود روایت ابراهیم کرخی بلامعارض باشد. قبلا از کتاب مغنی ابن قدامة و فقه علی المذاهب الاربعة نظر عامه را نقل کردیم. کلام مغنی ابن قدامه چنین است؛

«اذا صار ظل کل شیء مثله فهو آخر وقت الظهر و بهذا قال مالک و الثوری و الشافعی و الاوزاعی و نحو قال ابویوسف و محمد و ابوثور و داوود و حکی عن مالک ان وقت الاختیار لصلاة الظهر الی ان یصیر ظل کل شیء‌ مثله و وقت ادائها الی ان یبقی من غروب الشمس قدر ما یصلی به الظهر و قال ابوحنیفة الی وقت بلوغ الظل مثلیه.»

از این عبارت فهمیده می شود که جمهور عامه، آخر وقت نماز ظهر را بلوغ ظل به اندازه مثل شاخص می‌دانند و آخر وقت نماز عصر را به این می‌دانند که سایه دوبرابر شاخص بشود. و این با مضمون صحیحه بزنطی و روایت محمد بن حکیم مطابق است و منشأ می‌شود روایت ابراهیم کرخی بلامعارض بشود.

و شاید همین منشأ کلام آقای سیستانی باشد که می فرمایند:آخر وقت فضیلت نماز ظهر زمانی است که سایه به اندازه چهار هفتم شاخص برسد.

و لکن مهم برای ما همانی است که عرض کردیم: قرینه داریم روایت ابراهیم کرخی نباید حمل بر لزوم بشود. قرینه هم گفتیم موثقه زراره و انه لو کان لبان است. لو کان لبان هم دوستان اشکال دارند. حق اشکال‌شان محفوظ است.

## آخر وقت اختیاری نماز عصر

راجع به نماز عصر عرض کردیم؛ مشهور بر اساس روایاتی همچون «أحبّ الوقت أول الوقت، و اذا لم تصلّ فأنت فی وقت منهما حتی تغیب الشمس» وقت نماز ظهر و نیز عصر را موسّع و تا غروب آفتاب می دانند. اما بین علمایی که قائل به وقت اختیاری اند، اختلاف است و چهار قول وجود دارد؛

### قول أول

شیخ مفید فرمود: آخر وقت اختیاری، اصفرار شمس است.

### قول دوم

از سید مرتضی نقل شد که آخر وقت اختیاری برای نماز عصر این است که سایه شش هفتم شاخص بشود (و آقای سیستانی هم وقت فضیلت را همین می‌داند). دلیل‌شان هم صحیحه سلیمان بن خالد است که ما به سید مرتضی اشکال کردیم.

### قول سوم

قول شیخ است که آخر وقت اختیاری نماز عصر این است که سایه دوبرابر شاخص بشود. (و نظر مشهور در وقت فضیلت نماز عصر هم همین است). خب مستند ایشان روایت محمد بن حکیم و روایت بزنطی و روایت یزید بن خلیفه است که صریحاً می‌گفت «آخر وقت العصر قامة»: یعنی یک قامت بعد از قامتی که برای نماز ظهر گفتند، در نتیجه آخر وقت عصر قامتان و مثلی الشاخص خواهد شد.

جواب همین است که این روایات حمل بر تقیه می‌شوند. و علاوه بر آن‌که عرض کردیم که اگر بشود باید حمل بر استحباب بکنیم بخاطر موثقه زراره و انه لو کان لبان.

### قول چهارم

**قولی است که مختلف الشیعة از ابن ابی عقیل نقل می‌کند و خیلی عجیب است:** آخر وقت اختیاری نماز عصر این است که سایه به اندازه چهار هفتم شاخص بشود (ان ینتهی الظل ذراعین بعد زوال الشمس).

(در حالی که از ایشان نقل شده بود که آخر وقت نماز ظهر چهار هفتم است. سؤال: ... جواب: عبارت این است که: حکی فی المختلف عن ابی عقیل اول وقت الظهر زوال الشمس الی ان ینتهی الظل ذراعا واحدا او قدمین. ما اشتباه کردیم؛ مختلف از ابن ابی عقیل نقل می‌کند که آخر نماز ظهر این است که سایه دو هفتم شاخص بشود. راجع به نماز عصر آخر وقتش این است که چهار هفتم شاخص بشود و لذا از این جهت تهافتی وجود ندارد.)

تعجّب این است که این قول خلاف مشهور بین عامه و خاصه است. و کسی رسیدن سایه شاخص به چهار هفتم را آخر وقت نماز عصر ندانسته است. روایت ابراهیم کرخی هم راجع به نماز ظهر بود که آخر وقت آن چهار هفتم است.

**شاید روایت منصور بن حازم دلیل ایشان باشد:‌**

صل العصر علی اربعة اقدام؛ ولی معلوم نیست آخر وقت نماز عصر را بگوید و شاید أول وقت فضیلت عصر را می گوید که در روایات دیگر آمده است و حتّی پیامبر نماز عصر را زمانی می خواند که سایه شاخص به چهار هفتم شاخص برسد.

**هر چند چهار قول در رابطه با نماز عصر مطرح شده است ولی مضمون روایات از چهار وجه هم بیشتر است؛**

در روایت سلیمان بن جعفر آمده است که: وَ بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيِّ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنِ الْعُبَيْدِيِّ عَنْ سُلَيْمَانَ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: قَالَ الْفَقِيهُ ع آخِرُ وَقْتِ الْعَصْرِ سِتَّةُ أَقْدَامٍ وَ نِصْفٌ؛ آخر وقت نماز عصر شش و نیم هفتم شاخص است. البته سند این روایت ضعیف است.

**به هرحال باز تکرار می‌کنیم:**

در مجموع استظهار ما این است که وقت نماز ظهر و عصر موسّع است و لکن احتیاط مستحبّ مؤکّد عدم تأخیر نماز عصر از دوبرابر شاخص است، چون مشهور وقت فضیلت نماز عصررا، همین می دانند، و از طرفی برخی قائلند تأخیر از وقت معروفِ به وقت فضیلت برای غیر معذور جایز نیست و ظاهر برخی روایات هم این گونه بود.

**تذکّر:** ان شاء الله بحث خواهیم کرد که وقت فضیلت نماز ظهر و عصر از کی شروع می‌شود، صاحب عروه بعداً مطرح کرده ما هم آنجا مطرح می‌کنیم.

## وقت مختص و مشترک

### قول به وقت مختصّ

امر دوم راجع به این است که مشهور گفتند اول زوال به اندازه چهار رکعت وقت مختص ظهر است. آخر وقت هم به اندازه چهار رکعت وقت مختص عصر است. و بین این دو وقت، وقت مشترک است. البته این برای حاضرین است. اما برای مسافرین وقت مختص به اندازه دو رکعت می‌شود.

این نظر مشهور است ولی با تعبیر علمائنا بیان شده است. بعض از کلمات صریحاً گفته اند: علیه الاجماع.

### انکار وقت مختصّ

و لکن برخی از بزرگان گفته اند وقت مختص نداریم. از اول اذان وقت نماز ظهر و عصر شروع می‌شود تا غروب آفتاب. بله، بین نماز ظهر و عصر ترتیب وجود دارد و نماز عصر را باید بعد از نماز ظهر بخوانیم ولی این ربطی به این بحث وقت مختص ندارد. قول به وقت مختص آثاری دارد که باید به آن آثار ملتزم شد.

علامه و شهید أول، قول به انکار وقت مختص را به صدوق نسبت داده اند.

صاحب حدائق می‌ فرماید: صدوق وقت مختص را انکار نکرد و تنها در فقیه روایاتی را نقل کرد که ظهور در وقت مشترک دارد؛ مثل روایت قاسم بن عروة: اذا زالت الشمس دخل وقت الظهر و العصر الا ان هذه قبل هذه ثم انت فی وقت منهما حتی تغرب الشمس. صدوق این روایت را نقل کرده است ولی صریحاً وقت مختص را انکار نکرده است، بلکه نسبت به نماز خواندن در آخر وقت صریحاً قائل به وقت مختص شده است؛ در احکام السهو فی الصلاة می فرماید: وَ إِنْ نَسِيتَ الظُّهْرَ وَ الْعَصْرَ ثُمَّ ذَكَرْتَهُمَا عِنْدَ غُرُوبِ الشَّمْسِ فَصَلِّ الظُّهْرَ ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ إِنْ كُنْتَ لَا تَخَافُ فَوَاتَ إِحْدَاهُمَا فَإِنْ خِفْتَ أَنْ يَفُوتَكَ إِحْدَاهُمَا فَابْدَأْ بِالْعَصْرِ وَ لَا تُؤَخِّرْهَا فَيَكُونَ قَدْ فَاتَتْكَ جَمِيعاً[[1]](#footnote-1)

این عبارت را در فقیه آورده است. حال این استشهاد صاحب حدائق درست است یا درست نیست، ‌می رسیم چون ممکن است ما هم قائل به وقت مختص در آخر وقت نباشیم ولی قائل بشویم که چون روایات می‌گوید در ضیق وقت باید نماز عصر بخوانی، اگر ما نماز ظهر بخوانیم نماز ظهرباطل باشد چون أمر ندارد اما این به معنای قول به وقت مختص نیست. این را بعدا ًتوضیح خواهیم داد.

در هر صورت این نسبت به صدوق داده شده و جامع المقاصد و مدارک گفته اند که والد صدوق هم وقت مختص را انکار کرده است.

### فروع بحث وقت مختصّ

قبل از این‌که ادله طرفین را بگوییم، ‌سزاوار است فروعی که بزرگان بر وقت مختص مترتّب کرده اند را بگوییم تا با بصیرت وارد این بحث بشویم.

#### فرع اول

اگر کسی در وقت مختص به ظهر، یعنی در همان چهار رکعت اول وقت، نماز عصر بخواند؛ یا بخاطر این‌که حواسش نبود و فراموش کرد، یا این که اشتباهاً تمام نماز ظهر را قبل از اذان خوانده است، بعد نماز عصر را در وقت مختصّ خوانده است.

بناء‌ بر قول به وقت مختص نماز عصرش باطل است چون به وقت اخلال وارد کرده است که در روایت استثناء شده است: لَا تُعَادُ الصَّلَاةُ إِلَّا مِنْ خَمْسَةٍ- الطَّهُورِ وَ الْوَقْتِ وَ الْقِبْلَةِ وَ الرُّكُوعِ وَ السُّجُودِ.[[2]](#footnote-2)

**اما اگر وقت مختص را قبول نکنیم:**

برخی مثل صاحب حدائق (ظاهراً) فرموده است باز هم، نماز باطل است زیرا به ترتیب اخلال زده اید. و این عجیب است؛ زیرا حدیث لاتعاد شامل اخلال سهوی به ترتیب می شود. لذا نماز صحیح خواهد بود و این بحث از فروع بحث وقت مختصّ می شود که اگر قائل به وقت مختص باشیم نماز باطل و اگر قائل نباشیم نماز به جهت حدیث لاتعاد، صحیح است.

نکته

نماز عصر مشروط به سبق نماز ظهر است ولی نماز ظهر مشروط به لحوق نماز عصر نیست لذا اگر کسی نماز ظهر را بخواند و عمداً یا سهواً، مثلاً حائض شود، نماز عصر را نخواند؛ نماز ظهر او صحیح است.

##### مناقشه در فرع أول (مضمون صحیحه زراره)

البته این مطلب بناء بر نظر مشهور است.

**و لکن در صحیحه زراره فرموده است:** مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ وَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ شَاذَانَ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ حَرِيزٍ عَنْ زُرَارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ ع قَالَ: إِذَا نَسِيتَ صَلَاةً أَوْ صَلَّيْتَهَا بِغَيْرِ وُضُوءٍ- وَ كَانَ عَلَيْكَ قَضَاءُ صَلَوَاتٍ فَابْدَأْ بِأَوَّلِهِنَّ- فَأَذِّنْ لَهَا وَ أَقِمْ ثُمَّ صَلِّهَا- ثُمَّ صَلِّ مَا بَعْدَهَا بِإِقَامَةٍ إِقَامَةٍ لِكُلِّ صَلَاةٍ وَ قَالَ- قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ ع وَ إِنْ كُنْتَ‌ قَدْ صَلَّيْتَ الظُّهْرَ- وَ قَدْ فَاتَتْكَ الْغَدَاةُ فَذَكَرْتَهَا فَصَلِّ الْغَدَاةَ- أَيَّ سَاعَةٍ ذَكَرْتَهَا وَ لَوْ بَعْدَ الْعَصْرِ- وَ مَتَى مَا ذَكَرْتَ صَلَاةً فَاتَتْكَ صَلَّيْتَهَا- وَ قَالَ إِذَا نَسِيتَ الظُّهْرَ حَتَّى صَلَّيْتَ الْعَصْرَ فَذَكَرْتَهَا- وَ أَنْتَ فِي الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَ فَرَاغِكَ- فَانْوِهَا الْأُولَى ثُمَّ صَلِّ الْعَصْرَ- فَإِنَّمَا هِيَ أَرْبَعٌ مَكَانَ أَرْبَعٍ- وَ إِنْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْأُولَى- وَ أَنْتَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ- وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنْهَا رَكْعَتَيْنِ (فَانْوِهَا الْأُولَى)- ثُمَّ صَلِّ الرَّكْعَتَيْنِ الْبَاقِيَتَيْنِ وَ قُمْ فَصَلِّ الْعَصْرَ- وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ لَمْ تُصَلِّ الْعَصْرَ- حَتَّى دَخَلَ وَقْتُ الْمَغْرِبِ وَ لَمْ تَخَفْ فَوْتَهَا- فَصَلِّ الْعَصْرَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ- فَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الْمَغْرِبَ فَقُمْ فَصَلِّ الْعَصْرَ- وَ إِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ- ثُمَّ ذَكَرْتَ الْعَصْرَ فَانْوِهَا الْعَصْرَ (ثُمَّ قُمْ فَأَتِمَّهَا رَكْعَتَيْنِ) - ثُمَّ تُسَلِّمُ ثُمَّ تُصَلِّي الْمَغْرِبَ- فَإِنْ كُنْتَ قَدْ صَلَّيْتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ- وَ نَسِيتَ الْمَغْرِبَ فَقُمْ فَصَلِّ الْمَغْرِبَ- وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا- وَ قَدْ صَلَّيْتَ مِنَ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكْعَتَيْنِ- أَوْ قُمْتَ فِي الثَّالِثَةِ فَانْوِهَا الْمَغْرِبَ- ثُمَّ سَلِّمْ ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ- فَإِنْ كُنْتَ قَدْ نَسِيتَ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ- حَتَّى صَلَّيْتَ الْفَجْرَ فَصَلِّ الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ- وَ إِنْ كُنْتَ ذَكَرْتَهَا وَ أَنْتَ فِي الرَّكْعَةِ الْأُولَى- أَوْ فِي الثَّانِيَةِ مِنَ الْغَدَاةِ فَانْوِهَا الْعِشَاءَ- ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ الْغَدَاةَ وَ أَذِّنْ وَ أَقِمْ- وَ إِنْ كَانَتِ الْمَغْرِبُ وَ الْعِشَاءُ قَدْ فَاتَتَاكَ جَمِيعاً- فَابْدَأْ بِهِمَا قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ الْغَدَاةَ- ابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْعِشَاءِ- فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِهِمَا- فَابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْغَدَاةِ ثُمَّ صَلِّ الْعِشَاءَ- وَ إِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِالْمَغْرِبِ- فَصَلِّ الْغَدَاةَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ- ابْدَأْ بِأَوَّلِهِمَا لِأَنَّهُمَا جَمِيعاً قَضَاءٌ أَيَّهُمَا ذَكَرْتَ- فَلَا تُصَلِّهِمَا إِلَّا بَعْدَ شُعَاعِ الشَّمْسِ- قَالَ قُلْتُ: وَ لِمَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّكَ لَسْتَ تَخَافُ فَوْتَهَا.[[3]](#footnote-3)

می‌فرماید اگر ظهر را فراموش کردی، نماز عصر خواندی، حال در اثناء نماز عصر ملتفت شدی یا بعد از نماز عصر، فإنوها الاولی، نیت کن که این نمازت، نماز ظهر است. ظاهرا ارشاد است، نه این‌که اگر نیت نکنی نماز ظهر نمی‌شود. یعنی بناء بگذار که این، نماز ظهر است. اگر نیت هم نکند شبیه ابن علی الاکثر است. ابن علی الاکثر نه این‌که شما بناء قصدی باید بگذاری بر اکثر؛ این، ‌بناء‌ عملی است. بناء هم نگذاری خود به خود حکم اکثر بر آن بار می‌شود. شک بین سه و چهار محکوم است ظاهرا به این‌که رکعت چهارمی. این معنای إنو علی الاربع است.

«فانما هی اربع مکان اربع» چون تو چهار رکعت به نیت نماز عصر خواندی جای چهار رکعت نماز ظهر می‌نشیند.

اگر به این روایت عمل شود (که صاحب عروه به آن عمل کرده است) نمازی که به عنوان نماز عصر خوانده شد، نماز ظهر محسوب می شود لذا ظاهراً دیگر فرقی بین قول به وقت مختص و انکار وقت مختص نیست، چون این صحیحه اطلاق دارد.

##### جواب از مناقشه

دو تا جواب اینجا مطرح می‌شود:

###### جواب أول: جواب مبنایی

جواب مبنایی این است که می‌گویند: این روایت اعتبار ندارد زیرا أصحاب از این صحیحه إعراض کرده اند و به مضمون این صحیحه فتوا نداده اند. (مشهور بی دین نبوده اند و با التفات به این حدیث به آن عمل نکرده اند لذا یا سند و یا دلالت این روایت را قبول نداشته اند)

و چون إعراض ظاهراً از سند است و خللی در ظهور نبوده است زیرا دلالت نص است: حتّی مثل آقای صدر که می‌گویند اعراض از دلالت مشکل ایجاد نمی‌کند و تنها اعراض از سند مشکل ساز است باز روایت حجیّت نخواهد داشت. (جهت این تفصیل این است که آقای صدر می فرماید: حجیّت ظهور مشروط به عدم اماره ظنّیه بر خلاف نیست و عقلاء ظهوری که ظنّ نوعی به کذبش دارند را حجّت می دانند. ولی عقلاء خبر ثقه ای که ظنّ نوعی به کذبش دارند را حجّت نمی دانند و مشروط به عدم أماره ظنّیه بر خلاف می دانند.)

اشکال صغروی به جواب

إعراض از این حدیث برای ما ثابت نیست زیرا مهم إعراض قدماء و ریش سفید های فقه است که ثابت نیست، چون إعراض این است که ملتفت به این حدیث بشوند و فتوا به خلاف بدهند. و نظر متأخّرین اجتهادی است و مثل بقیّه اند. (مرحوم آقای تبریزی می‌فرمود: یک روز صبح می‌آمدم. ‌یک راننده‌ای رفت جلو، یک نگاهی کرد، عقب عقب برگشت. گفت نگاه کردم اگر از این طلبه‌های جوانی سوارت نکنم. اگر پیرمردی سوارت بکنم. خلاصه در شهرت ما سراغ پیرمردهای فقاهت می‌رویم.)

اشکال کبروی به جواب

علاوه بر این‌که ما (وفاقا للسید الخوئی) اعراض از سند را هم موهن نمی‌دانیم؛ زیرا حجیت خبر ثقه به نظر ما مطلق است. العمری ثقتی فاسمع له و اطع اطلاق دارد یعنی و لو ظن نوعی به خطا او پیدا کنی. و این خبر العمری ثقتی را ثابت کردیم قطعی الصدور است.

###### جواب آقای سیستانی از مناقشه

آقای سیستانی وجهی دیگر در تعلیقه عروه مطرح کرده اند، و فرموده اند: شاید منشأ إعراض مشهور این باشد که معلوم نیست این جمله کلام امام باشد و شاید اجتهاد زراره باشد (یعنی و قال فاعلش زراره است: و قال زراره) و شاهد آن ما فی الجوامع الوائیه است. ما جوامع روائیه را بررسی کردیم شاهدی پیدا نکردیم؛

ظاهراً ایشان به اختلاف تعبیر در این روایت نگاه کرده و منشأ تردید ایشان شده است. این روایت در کافی این گونه آمده است: «عن حماد عن حریز عن زراره عن ابی‌جعفر علیه السلام ‌قال...و قال قال أبو جفعر... و قال ...» «قال» که ابتدا ذکر شد یعنی قال ابوجعفر علیه السلام . و در ادامه گفت «و قال: قال ابوجعفر» که فاعل آن مشخص است. در ادامه حدیث «و قال» آمده است. و دیگر «و قال قال» نگفت. یک بار در وسط حدیث گفت «و قال قال أبوجعفر» ولی در ادامه دیگر دو بار نگفت و تنها گفت «و قال اذا نسیت الظهر»؛ لذا احتمال دارد «وقال اذا نسیت» مثل «و قال» باشد که در وسط ذکر شد. «و قال» در وسط، کلام حریز است که می گوید: و قال زراره قال أبوجعفر.

اشکال به جواب آقای سیستانی

انصافاً این فرمایش آقای سیستانی خلاف ظهور است. زیرا در ذیل این صحیحه این گونه آمده است که: وَ إِنْ كَانَتِ الْمَغْرِبُ وَ الْعِشَاءُ قَدْ فَاتَتَاكَ جَمِيعاً- فَابْدَأْ بِهِمَا قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ الْغَدَاةَ- ابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْعِشَاءِ- فَإِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِهِمَا- فَابْدَأْ بِالْمَغْرِبِ ثُمَّ الْغَدَاةِ ثُمَّ صَلِّ الْعِشَاءَ- وَ إِنْ خَشِيتَ أَنْ تَفُوتَكَ الْغَدَاةُ إِنْ بَدَأْتَ بِالْمَغْرِبِ- فَصَلِّ الْغَدَاةَ ثُمَّ صَلِّ الْمَغْرِبَ وَ الْعِشَاءَ- ابْدَأْ بِأَوَّلِهِمَا لِأَنَّهُمَا جَمِيعاً قَضَاءٌ أَيَّهُمَا ذَكَرْتَ- فَلَا تُصَلِّهِمَا إِلَّا بَعْدَ شُعَاعِ الشَّمْسِ- قَالَ قُلْتُ: وَ لِمَ ذَاكَ قَالَ لِأَنَّكَ لَسْتَ تَخَافُ فَوْتَهَا

**ترجمه روایت:** می‌گوید اگر نماز مغرب و عشاء قضاء شد قبل از نماز صبح، قضائش را بخوان، به شرط این‌که خوف فوت نماز صبح را نداشته باشی، اگر مغرب و عشاء را قضاء کنی می‌ترسی نماز صبحت فوت بشود نماز مغربت را قضاء بکن نماز عشاء را بگذار بعد از نماز صبح قضاء بکن، اگر نماز مغرب هم بخوانی می‌ترسی نماز صبحت فوت بشود، ‌نماز صبح را بخوان، و بعد اول نماز مغرب را بخوان بعد نماز عشاء را بخوان.

در آخر می گوید: «قال قلت لمَ ذاک؟ قال لانک لست تخاف فوتها» چرا این حکم؟ گفتند: چون خوف فوت که نداری، پس اول مثلا نماز مغرب وعشاء را بخوان بعد نماز صبح را.

**شاهد کلام:** در این جمله آخر «قال قلت» دارد، این قال را چه کسی گفته است؛ اگر مراد «قال حریز» باشد معنایش این است که این جمله را راویِ قبل، یعنی حمّاد، گفته است. و اگر مراد «قال زراره» باشد، این جمله را حریز گفته است.

و چون روایت این گونه بود که: «حریز عن زراره قال قال أبو جعفر»، مقتضای سیاق روایت، این است که فاعل این قال هم زراره باشد. در حالی که طبق توجیه آقای سیستانی باید فاعل قال را حریز بگیرند که خلاف سیاق روایت است.

##### نتیجه مناقشه و جواب أول

و لذا به نظر ما این صحیحه زراره هیچ اشکالی در سندش نیست. دلالتش هم واضح است. لذا طبق این روایت می‌گوییم چه قائل به وقت مختص شویم چه نشویم این نمازی که به عنوان عصر خواندیم به عنوان نماز ظهر واقع می شود و نماز صحیح است.

##### جواب دوم از مناقشه در فرع أول

جواب دوم این است که گفته می‌شود صحیحه زراره شامل وقت مختص نمی‌شود. ناظر به وقت مشترک است.

1. من لا يحضره الفقيه، ج‌1، ص: 354‌ [↑](#footnote-ref-1)
2. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 312‌ [↑](#footnote-ref-2)
3. وسائل الشيعة، ج‌4، ص: 290‌ [↑](#footnote-ref-3)